

ورفع فقر و محرومیت

وضعیت مسکن نیز در کشور بسیار نامطلوب بود. علاوه بر آنکه در زمینه مسکن کمبود بسیار زیادی به چشم می خورد. از نظر کیفیت نیز بسیار نامناسب بود، به ویژه وضعیت روستاها تأسف بار بود. در برنامه چهارم عمرانی کشور، یعنی در اواخر دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۵۰، اعتباری که جهت بهسازی و ایجاد خانه های روستایی کل کشور اختصاص یافته بود، بسیار ناچیز بود.

به گونه ای که معادل ۱/۵ اعتبارات ساختمان سازی ارتش، و تنها ۴۵ درصد بیش از اعتبار ساختمان کاخ فرح آباد بود. در سال ۵۶ سرمایه گذاری برای ساختمان سازی در شهرها و به ویژه نقاط خاص از تهران، ۱۲/۵ برابر کل سرمایه گذاری ایجاد ساختمان در روستاها بود. در سال ۵۵ حدود ۲/۴ از واحدهای مسکونی کشور بامصلح نامناسب شامل روستاها می شد. به اعتراف رژیم، در برنامه پنجم عمرانی ۷۰ درصد از مسکن موجود در روستاهای کشور دارای آنچنان کیفیت نامناسبی بودند که غیر قابل اصلاح تشخیص داده شده بود. در زمینه ضروری ترین نیاز انسان یعنی آب آشامیدنی نیز پنجه های محرومیت، تمامی مناطق کشور و به ویژه مناطق روستایی را دربر گرفته بود.

همچنین در تهران برای هر ۵۶۰۰ نفر و در کهکیلویه برای هر ۱۲۰ هزار نفر یک دندانپزشک وجود داشت. به عبارت دیگر، امکان دسترسی مردم کهکیلویه به دندانپزشک ۲۱ برابر کم تر بود. در ۱۳۴۰، از هر ۶ نوزاد تولد یافته، یک تن تلف می شد. و این وضع در روستاها به مراتب تأسف بارتر بود. در برنامه پنجم عمرانی به روستاها - که شامل بیش از نیمی از جمعیت کشور است - تنها ۱/۸ از کل اعتبارات بهداشتی و درمانی اختصاص یافت. در سال ۱۳۵۰ به طور متوسط از هر ۳۷ روستای کشور، تنها در یک روستا مرکز درمانی وجود داشت.

از آنجا که روستاهای کشور به عنوان پایگاه های تولید خودکفایی و تضمین کننده استقلال اقتصادی کشور محسوب می شوند و همچنین با برخورداری از فرهنگی ریشه دار و غیر وابسته امکان ایجاد و گسترش حرکت هایی در راستای نهضت امام خمینی را مؤکداً خاطر نشان می سازند. مشارکت گسترده روستاییان کشور در نهضت ۱۵ خرداد و از جمله، قیام روستاییان ورامین که شجاعانه کفن برتن کرده، به سمت تهران حرکت کردند به سختی و وحشیانه توسط مزدوران رژیم سرکوب شدند، نمونه ای روشن از علت هراس رژیم شاه از قیام روستاییان کشور بود، بی توجهی به مناطق روستایی و فشارهای همه جانبه و در نتیجه تضعیف هر چه بیش تر آنها، در راستای استراتژی رژیم شاه مبنی بر وابستگی کشور و گسترش محرومیت در اکثر مناطق قرار داشت.

ابعاد گسترده محرومیت و تیره روزی بخش بسیار عمده ای از مردم کشور به ویژه مناطق روستایی به عنوان سمبل آن، عمق فاجعه را به خوبی ترسیم می نماید. از نظر تأسیسات آموزش باید گفت که تا سال ۵۵ - یعنی اواخر رژیم پهلوی - تقریباً از هر ۲/۵ روستا، فقط یک روستا دارای دبستان بود.

در کل کشور در هر ۴۶ روستا، تنها یک مدرسه راهنمایی و تقریباً از هر ۱۰۰۰ روستا، فقط یک روستا دارای دبیرستان بود. سایر تأسیسات فرهنگی همچون کتابخانه های عمومی نیز از وضعیت مشابهی برخوردار بودند.

از نقطه نظر وضعیت بهداشتی و درمانی نیز اکثریت مطلق مناطق کشور در محرومیت آشکار به سر می برد. در حالی که امکانات و کادر پزشکی در مجموع بسیار پایین تر از استانداردهای بین المللی قرار داشت، «در سال ۱۳۵۴، در تهران برای هر ۹۷۰ نفر و در ایلام برای هر ۱۱۲۰ نفر یک پزشک وجود داشت. به عبارت دیگر در ایلام امکان دسترسی مردم به پزشک ۱۲ برابر کم تر از تهران بود.



به گونه‌ای که تا آخرین روزهای عمر رژیم، تنها حدود ۱۱ درصد از کل روستاهای مسکونی کشور از آب لوله‌کشی استفاده می‌کردند. به عبارت دیگر، به‌طور متوسط در سطح کشور از هر ۹ روستا، ۸ روستا آبرسانی نشده بود.

در زمینه برق‌رسانی به روستاها نیز با توجه به آنکه به‌عنوان نمونه در سال ۵۵ تنها ۱/۷۷٪ از اعتبارات صنعت برق به روستاها اختصاص یافت، تا پایان عمر رژیم کم‌تر از ۷ درصد از کل روستاهای کشور از نعمت برق بهره‌مند بودند. به عبارت دیگر، به‌طور متوسط در سطح کشور از هر ۱۵ روستا، ۱۴ روستا نمی‌توانستند از برق استفاده کنند. از نظر پست و مخابرات نیز روستاهای کشور تقریباً در محرومیت کامل به‌سر می‌بردند. در برنامه سوم، تنها حدود یک درصد از مراکز شبکه پستی کل کشور در روستاها ایجاد شد. در برنامه چهارم عمرانی، ایجاد مراکز تلفن روستایی اصولاً مطرح نبود. در برنامه پنجم عمرانی نیز تنها حدود ۱/۳۷٪ از کل اعتبارات مخابرات بر خطوط فرعی و روستایی اختصاص می‌یابد.

در اجرای برنامه پنجم در مقابل ۲۸ هزار صندوق پست در شهرها، تنها حدود ۲۲۰ صندوق

پست در روستاها تأسیس شد. به‌عبارتی، در قبال هر ۱۲۴ صندوق پست شهری، تنها ۱ صندوق در روستاها ایجاد شد.

در زمینه راه‌ها نیز سراسر کشور به‌ویژه روستاها با محرومیت‌های آشکاری مواجه بودند. در برنامه چهارم عمرانی کشور، تنها حدود یک درصد از کل اعتبارات راهسازی به ایجاد راه‌های روستایی خاکی اختصاص یافت. تا اواخر عمر

درصد جمعیت روستاها و حدود ۸۷ درصد زنان از نعمت سواد بی‌بهره بودند.

همچنین تلاش قطعی رژیم گذشته، ایجاد وابستگی فرهنگی در کشور بود که در این ارتباط با هدف نفوذ فرهنگی فاسد غرب از تمامی ابزارهای موجود، یعنی مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، رادیو تلویزیون، نشریات، سینما و به‌طور کلی تمامی زمینه‌های موجود جهت تخریب

● در سال ۱۳۵۴، در تهران برای هر ۹۷۰ نفر و در ایلام برای هر ۱۱۲۰۰ نفر یک پزشک وجود داشت، به عبارت دیگر، در ایلام امکان دسترسی مردم به پزشک ۱۲ برابر کمتر از تهران بود.

● مسئولین کشور علیرغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده‌اند و همه آمال و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور است که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بپوشد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور ما از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند.

و ریشه‌کنی فرهنگ ناب اسلامی از درون فطرت مردم، بهره‌برداری می‌نمود. براساس تمامی تبلیغات سوء رژیم گذشته، هرآن چیز که رنگی از استقلال داشت، ضدارزش، و هرآنچه که در راستای وابستگی بود، ارزش تلقی می‌شد. و بدین ترتیب، تا حدود زیادی موجب محرومیت افشار مختلف ملت به مبانی پرارزش فرهنگی خود- یعنی اسلام ناب- شده بود؛ چرا که رژیم گذشته به‌خوبی می‌دانست بدون وابستگی فکری و فرهنگی، نمی‌توان به دیگر ابعاد وابستگی دست یافت.

از نقطه‌نظر سیاسی نیز با توجه به عمق وابستگی سیاسی رژیم پهلوی به استکبار و غرب و به‌عنوان ژاندارم منطقه، استقلال سیاسی محلی از اعراب نداشت. تصویب قانون کاپیتولاسیون، به مثابه زیرپا نهادن تمامی اصول استقلال ملی بود. وجود صدها هزار مستشار و کارگزار دول استکباری و اسارت تمامی دستگاه‌های مراکز موجود در کشور در چنگال این کارگزاران، وابستگی قطعی همه اجزاء کشور را در پی داشت. به عبارتی، با توجه به وابستگی سیاسی مطلق کشور، اخذ تصمیم‌های سیاسی نه توسط مردم و نه حتی توسط رژیم، بلکه در پایتخت‌های امریکا، انگلستان، فرانسه و سایر مراکز قدرت، اتخاذ و جهت اجرا به رژیم دیکته می‌شد. بدین ترتیب، ملت ایران از حق مسلم خود در تصمیم‌گیری‌های

رژیم منحوس پهلوی در سراسر کشور تنها حدود ۸ هزار کیلومتر راه روستایی- که آن هم عمدتاً نامناسب بودند- وجود داشت. بدین ترتیب، به‌طور متوسط به‌ازای هر روستا تنها ۲۲۵ متر و در مقابل هر کیلومتر مربع از مساحت کشور، کم‌تر از ۵ متر راه روستایی وجود داشت.

از مجموع فوق می‌توان به‌خوبی نتیجه گرفت که رژیم منحوس پهلوی استراتژی تخریبی اتخاذ و تا آخرین دم در به‌ویرانی کشاندن مناطق محروم کشور و به‌ویژه مناطق روستایی پای فشرد و از خود ویرانه‌های بسیار برجای نهاد.

تلاش رژیم پهلوی در جهت تضعیف مبانی فرهنگی کشور و سوق دادن آن به سمت وابستگی، در فعالیت‌های این رژیم جایگاهی ویژه داشت که ایجاد زمینه لازم جهت عدم دستیابی آحاد ملت به ابزار سواد در همین راستا قرار داشت.

در سال ۳۵ حدود ۸۵ درصد جمعیت بیش از ۷ سال کل کشور بیسواد بودند که میزان بیسوادی در روستاها برای زنان بالغ بر ۹۹ درصد می‌شد. در سال ۱۳۴۵ نیز بیش از ۷۰ درصد جمعیت کشور بیش از ۸۵ درصد روستاییان و ۹۷ درصد از زنان روستایی بیسواد بودند. در سال ۱۳۵۵ در زمانی که دستگاه‌های تبلیغات رژیم، دستیابی به تمدن بزرگ را مطرح می‌کردند، بیش از نیمی از جمعیت بیش از ۷ سال کشور، و بیش از ۷۰



سیاسی و مشارکت در آن همواره و به شدیدترین وجه ممکن محروم بود.

از جنبه اجتماعی نیز وجود قطب‌های اجتماعی معدود در رأس هرم قدرت، تبعیضات شدید اجتماعی بر سراسر کشور سیطره داشت و در پایان، صاحبان قدرت سیاسی و نظامی، خوانین و فئودال‌ها و دیگر افسار متنفذ، سیطره اختاپوس

بخش معدودی از قدرتمندان کشور سرازیر می‌گردید که فقر عمومی و اختلاف بسیار چشمگیر درآمدها در سطح جامعه را موجب شده بود. از سوی دیگر، در راستای نابودی کشاورزی، واردات مواد کشاورزی و غذایی و سایر کالاهای مصرفی، به اتکای فروش نفت هرسال افزونتر از سال قبل می‌شد. این امر به‌ویژه پس از افزایش

● بازسازی و سازندگی جز از طریق تعاون و همفکری میسر نیست و این کشور متعلق به اسلام و همه ملت ایران است و همان‌گونه که در جنگ همه در کنار هم بودند، در صلح و سازندگی نیز باید در کنار یکدیگر باشند.

● ما با راه امام و صراط مستقیم ترسیم شده توسط ایشان بیعت کرده‌ایم و تا قطره‌ای خون در پیکر امت اسلام است، بیعت نیز هست و تابیعت هست، مبارزه با کفر و شرک و استکبار و همچنین رفع محرومیت از کشور خواهد بود که این راه و خط امام است.

مانند خود را بر اجتماع اعمال می‌کردند که از جمله می‌توان به تبعیضات اجتماعی در دستگاه‌های قضایی کشور اشاره کرد که اگر فردی خارج از شبکه قدرت مورد ظلم و اجحاف واقع می‌شد، از بیم عکس‌العمل قدرتمندان به دستگاه قضایی مراجعه نمی‌کرد چنانچه اقدام به این کار می‌کرد عمدتاً با اعمال نفوذ راه به جایی نمی‌برد.

مصادیق روشنی از این موضوع در اکثر مناطق روستایی کشور به تعداد بسیار قابل مشاهده بود. همچنین عملکرد شیطانی رژیم پهلوی در کشف حجاب زنان توسط تمامی ابزار موجود از قبیل مراکز نظامی و انتظامی، مراکز آموزش و فرهنگی و دستگاه‌های تبلیغات- علی‌رغم ادعاهای رژیم- نمونه‌ای واضح و آشکار از محرومیت‌های اجتماعی ملت ایران بوده است.

وضعیت تأسف بار اقتصاد کشور ابعاد دیگری را نیز آشکار می‌سازد. در راستای وابستگی سایر کشور، استخراج، تولید و فروش نفت به‌عنوان یک استراتژی اساسی رژیم پهلوی محسوب می‌گردد و کشور به‌جای اتکاء به توان تولید واقعی، به بهره‌برداری غارت‌مآبانه نفت که غیرقابل تجدید نیز بود، روی آورد، کل درآمد ارزی بخش نفت در برنامه پنجم ۱۲/۳ برابر برنامه چهارم پیش‌بینی شد، که بدین ترتیب حیات اقتصاد ملی بدون نفت دیگر معنایی نداشت و این روند وابستگی هرروز گسترده‌تر می‌شد، که درآمدهای حاصل از آن پس از خریدهای تسلیحاتی و غیره، تنها به جیب

بهای نفت در دهه پنجاه ابعاد بسیار گسترده‌تری به‌خود گرفت. بنابراین، از یک سو ملت ایران از استقلال اقتصادی محروم بود و از سوی دیگر در درون کشور با ایجاد یک قطب- که از لحاظ تعداد معدود بودند، اما به لحاظ توان اقتصادی بسیار قدرتمند، در مقابل اکثریت بسیار فقیر کشور و به‌ویژه روستاییان موقعیت بسیار نامطلوب اقتصادی را شکل داد که با گذشت زمان چهره‌ای هرچه کریه‌تر به‌خود گرفت.

ترکیب وضعیت ناسالم و بسیار نامطلوب فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و اثرات متقابل و تشدیدکننده هر یک، چنان موقعیت را ایجاد کرده بود که می‌توان کاملاً آن را اسارت و محرومیت ملت ایران نامید.

حضرت امام با درک کامل تمامی ابعاد محرومیت‌های ملی، همواره تمامی افسار ملت را به مبارزه با رژیم می‌طلبید. موضعگیری‌های قاطعانه حضرت امام در این رابطه نه از سال ۴۲ بلکه از ده‌ها سال قبل از آن و از عنفوان جوانی آغاز شده بود که البته در سال ۴۲ ابعاد بسیار گسترده‌ای یافت. این امر به‌خوبی در سخنرانی‌ها و مطالب مکتوب ایشان آشکار است. حضرت امام در بسیاری از موضعگیری‌های خود اشارتی خاص و روشن به نقش رژیم پهلوی در خرابی‌های کشور و نقاط محروم کرده، در طول نهضت همواره بر آن تأکید خاصی داشت.

ایشان در سالگرد کشتار فیضیه در ۲۱ فروردین سال ۴۳، طی یک نطق تاریخی، با اشاره

به غارت ثروت مردم توسط رژیم می‌فرمایند: «باید این مملکت را از این گرفتاری‌ها نجات داد. نمی‌خواهند این مملکت اصلاح شود. اجانب نمی‌خواهند مملکت آباد شود. اینها حتی آب هم برای ملت تهیه نکرده‌اند.

«و سپس ادامه می‌دهد:» ... اگر راست می‌گویند برای بیکاران کار پیدا کنند. وضع معیشت بد است. وقتی که در زندان بودم خیر آوردند که سرمای همدان به ۳۳ درجه رسید، بعد خبر آوردند که ۲۰۰۰ نفر از سرما تلف شده‌اند. در یک چنین وضعی برای استقبال از اربابان خود با طیاره از هلند گل می‌آورند. پول ملت فقیر را تلف می‌کنند.»

سپس امام می‌فرماید: «در مقابل کسانی که ذخایر این ملت فقیر را به رایگان می‌برند. ملت بدبخت در آتش فقر و بیکاری و بینوایی می‌سوزد. در حضور چهره‌های رنگ‌پریده از گرسنگی و بینوایی دایماً دم از ترقی و پیشرفت‌های اقتصادی می‌زنند. این حقایق تلخ ما را به تنگ آورده، علماء اسلام را رنج می‌دهد.»

حضرت امام با درک و اطلاعات جامع از وابستگی سیاسی و اقتصادی کشور و اصلاحات ارضی در تیره‌روزی ملت، در اطلاعیه‌شان به مناسبت مطرح شدن لایحه کاپیتولاسیون می‌فرمایند:

امروز اقتصاد ایران به‌دست آمریکا و اسرائیل است و بازار از دست ایرانی مسلمان خارج شده است و غبار ورشکستگی و فقر بر رخسار بازرگان و زارع نشسته است و اصلاحات آقایان بازار سیاه برای آمریکا و اسرائیل درست کرده است و کسی نیست که به داد ملت فقیر برسد. من از فکر زمستان امسال رنج می‌برم. من از شدت گرسنگی، خدای نخوسته هلاک بسیاری از استمدان را پیش‌بینی می‌کنم.»

بدین ترتیب امام تا آخرین روزهای حضور در وطن و قبل از تبعید، به موازات حمله کوبنده علیه سیاست‌های رژیم، به محسوسین و مستضعفین می‌اندیشد و از آنها سخن می‌گوید که هم اینان ارکان انقلابند.

سرانجام حضرت امام به‌دنبال حدود یکسال و نیم پرفراز و نشیب و پس از دستگیری در ۱۵ خرداد ۴۲، ۲ ماه زندان و ۸ ماه حبس در خانه‌ای در قطریه تهران، و سپس آزادی بر اثر فشار ملت و علماء و بازگشت به قم، سرانجام، در ۱۳ آبان ۴۳ بر اثر مخالفت بسیار شدید علیه لایحه کاپیتولاسیون، به ترکیه تبعید می‌شود، که پس از دو سال به نجف اشرف منتقل شدند که تا اواسط سال ۵۷ در عراق به‌سر می‌بردند. در

تمامی این دوران طولانی، حضرت امام از مبارزه با رژیم پهلوی و استکبار جهانی لحظه‌ای نیاسود. این دوران را می‌توان زمان آماده‌سازی نهایی افکار ملت ایران با بیانات، اطلاعیه‌ها و کتب حضرت امام دانست. در این دوران سرنوشت‌ساز، امام با تلاش خستگی‌ناپذیر خود در واقع تدریجاً به رهبری انقلاب فکری و فرهنگی در کشور پرداخت.

در سال ۱۳۵۶ یکی از روزنامه‌های رژیم منحوس پهلوی به ساحت مقدس حضرت امام جسارت کرد و این امر تظاهرات اعتراض‌آمیز روحانیون و دیگر اقشار، ۱۹ دی ۵۶ در قم را به‌دنبال داشت که این تظاهرات توسط مزدوران رژیم به خاک و خون کشیده شد. در چهلمین روز شهادت آنان، در ۲۹ بهمن ۵۶، قیام شجاعانه مردم تبریز به‌وقوع پیوست که از این پس وقایع انقلاب بسیار سرعت گرفت و به‌ویژه از سال ۵۷ ابعاد بسیار گسترده‌ای یافت که رژیم با آن جداً به مقابله پرداخت که از آن جمله می‌توان به کشتار ۱۷ شهریور ۵۷ اشاره کرد.

بر اثر فشار رژیم بعثی عراق به حضرت امام و قصد آنان مبنی بر ایجاد محدودیت در فعالیت‌های فکری و سیاسی در مقابله با رژیم شاه، سرانجام امام به پاریس عزیمت کرد. با ایجاد ارتباط هرچه بیش‌تر رهبری و مردم، انقلاب اسلامی ابعاد نوین یافت. در این مقطع از انقلاب اسلامی نیز حضرت امام همچنان بر فعالیت‌ها و عملکرد ویرانگرانه و مخرب رژیم پهلوی تأکید داشته، نوید-سازندگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی را می‌دادند. در این زمینه امام فرمودند: «ما وارث مملکتی هستیم که رژیم شاه آن‌را ویران کرد. نفت ما، کشاورزی، دانشگاه و جوانان ما را به‌باد فنا داده است، و ما باید ایران را بازسازی کنیم. (۵۷/۱۱/۱ پاریس) حضرت امام در مصاحبه با تلویزیون فرانسه می‌فرمایند: «حالا ملت ایران باید سال‌ها زحمت بکشند که ایران را ترمیم کند و خسارتی را که شاه در ایران ایجاد کرده و خرابی‌هایی را به‌بار آورده، جبران کند.» (کیهان ۵۷/۱۱/۳).

حضرت امام در تبیین خط مشی حکومت پس از پیروزی در مصاحبه با هفته‌نامه اکسپرس نوید

می‌دهد که: ما با حیث و میل مبارزه خواهیم کرد. ثروت‌هایی که عده معدودی استفاده‌جو بوده‌اند. بازخواهیم گرفت. شرایط زندگی افراد محروم را بهبود خواهیم بخشید. (کیهان ۵۷/۱۱/۲).

سرانجام در نتیجه مبارزه مردم ایران به رهبری قائد بزرگ حضرت امام خمینی، شاه در ۲۷ دی ۵۷، از کشور اخراج می‌شود. سرانجام نوید پرواز همای سعادت می‌رسد که امام خواهد آمد. بامداد ۱۲ بهمن میلیون‌ها نفر از مردم به استقبال رهبر خویش می‌شبانند که پس از حدود ۱۴ سال به وطن بازمی‌گردد. میلیون‌ها نفر از تهران و دیگر نقاط کشور به استقبال امام می‌آیند. اکنون فرودگاه قلب جهان اسلام است. سرانجام خاک ایران، با قدوم مبارک امام متبرک می‌شود. بلافاصله امام در اولین سخنرانی‌شان در کشور در فرودگاه مهرآباد در مقابل خیل عظیم مستقبلین، مجدداً در زمینه ویرانی کشور توسط شاه می‌فرماید:

«بعد از ۵۰ سال خیانت‌های او و سلسله‌اش، بعد از سی و چند سال جنایات این شخص خائن این مملکت ما را به عقب راند، مملکت ما را استثمار کرد، زراعت ما را بر باد فنا داد، مملکت را ویران کرد.»

سپس قطب امت به سمت بهشت زهرا حرکت می‌کند. میلیون‌ها مشتاق عاشق در مسیر انتظار محبوب را می‌کشیدند. در مسافت ۳۳ کیلومتری فرودگاه تا بهشت زهرا، اقیانوس انسان‌ها در جست‌وجوی ساحل سعادت موج می‌زدند.

امام، در بهشت زهرا در قسمتی از سخنان تاریخی خود، عملکرد مخرب رژیم پهلوی را یادآوری کرده، همه ملت را به سازندگی فرامی‌خواند:

«من باید عرض کنم که محمدرضا پهلوی این خائن خبیث برای ما رفت. فرار کرد و همه چیز را به‌باد داد. مملکت ما را خراب کرد. مملکت ما را از ناحیه اقتصاد خراب کرد. تمام اقتصاد ما الآن خراب و درهم ریخته است و اگر چنانچه بخواهیم این اقتصاد را به حال اول برگردانیم، سال‌های طولانی با همت همه مردم، نه یک دولت می‌تواند این کار را بکند و نه یک قشر از اقشار مردم می‌توانند این کار را بکنند، تا تمام مردم دست بدست هم ندهند، نمی‌توانند ریختگی این اقتصاد را از بین ببرند.»

ده روز پس از ورود امام، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب به‌پیروزی می‌رسد. اکنون دیگر زمان سازندگی است. امام همچنان یاور مستضعفان و محرومان است و بر لزوم توجه به آنان می‌فرماید: «باید مستضعفین را حمایت بکنند. باید مستضعفین تقویت بشوند.» و سپس می‌فرماید: «الآن ما در



ایران بسیاری از مستمندان داریم، بسیاری از اشخاص داریم کدر این قضایا از هستی ساقط شده‌اند. باید اشخاصی که دارا هستند به آنها کمک کنند و به مستمندان يك زندگی مرفه بدهند. دولت باید به فکر اینها باشد. ملت باید به فکر اینها باشد و باید برای آنها مسکن بسازند. برای آنها يك زندگی صحیح بسازند. برای کارمند ما زندگی صحیح بسازند.»

آنگاه می‌فرمایند: «... من به کارمندان و کارگران و سایر طبقات مستضعف انشاءالله وعده می‌دهم که ایران برای شما کار درست می‌کنند. اسلام برای شما کار درست می‌کند. اسلام زندگی شما را مرفه می‌کند. اسلام برای شما منزل درست می‌کنند. (سخنرانی حضرت امام ۵۸/۱/۱۲). البته حضرت امام دقیقاً به عمق و وسعت خرابی‌ها واقف بودند، بنابراین گذشت زمان کافی را شرط لازم جهت سازندگی می‌دانستند. لذا ایشان می‌فرمایند:

«يك مملکت خراب، يك مملکت ویران، يك مملکتی که همه ذخایرش را به چپاول بردند، حالا می‌خواهد تازه شروع کند. شروع به نوسازی. این شروع به نوسازی. محتاج به وقت است. این طور نیست که غفلت از حال مستمندان شده باشد و یا از حال کارگران شده باشد خیر، ما همه به فکر شما هستیم و ما انشاء... بعد از اینکه بتوانیم استقرار بنهیم جمهوری اسلامی را، اسلام در فکر کارمندان، در فکر کارگران و در فکر مستضعفین است تا فکر دیگری (۵۸/۱/۲۶) کارگران و تانویان (م).

۲۷ خرداد ۱۳۵۸ نقطه عطفی در راستای محرومیت‌زدایی به‌شمار می‌آید. در این روز، حضرت امام طی پیامی اعلام جهاد برای سازندگی کردند.

«در این جهاد که (جهاد سازندگی) است همه قشرهای ملت زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجوی، مهندسین و متخصصین، شهری و دهاتی، همه با هم باید تشریک مساعی کنند و ایران را که خراب شده است، بسازند و البته به خانه‌هایی که بیش‌تر خراب است مثل روستاها، جاهایی که ساکنین عشایر است، دهات دورافتاده که تقریباً هرکدام و هرگروه که می‌آیند، شکایت از وضعشان دارند، می‌گویند برق نداریم، خانه نداریم، آب نداریم، آسفالت نداریم، بهداشتی نداریم و همه هم صحیح می‌گویند بیش‌تر برسیم.»

در بخشی دیگر از پیام امام آمده است: «در این مرحله‌آتی که مرحله سازندگی است ما دستمان را نزد تمام ملت دراز می‌کنیم و از ملت می‌خواهیم تا در این نهضت شرکت کنند و همه

دست برادری و دوستی به هم بدهند و این جهاد سازندگی را شروع کنند.»

امام با این پیام خون‌گرمی در پیکر نحیف ایران جاری کرد که سازندگی مناطق محروم و روستاها از این پس متشکل و منسجم شود و بدین ترتیب، نهاد مقدس جهاد سازندگی شکل گرفت. و جهاد گران سخت‌کوش به خدمت خالصانه پرداختند. دیگر نهادها و مراکز نیز در همین راستا تشکیل شدند که از آن جمله می‌توان به کمیته امداد امام خمینی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و نهضت سوادآموزی اشاره کرد که هر يك خدمات بسیاری در مناطق محروم کشور به انجام رسانیده‌اند.

حضرت امام با اشراف بر مسائل کشور، مستمراً به پیگیری روند محرومیت‌زدایی عنایت خاصی داشته، همواره ضمن حمایت از فعالیت‌های به‌عمل آمده بر تشدید این فعالیت‌ها و خدمت هرچه بیش‌تر به محرومین و مستضعفین با تأکید بر اینکه «محرومیت‌زدایی عقیده و راه و رسم ماست». می‌فرمودند:

«مسئولین کشور علیرغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقر‌زدایی جامعه کرده‌اند و همه آمال و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور است که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بر بندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور ما از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند.» (فریاد برائت)

سر‌بازان گمنام انقلاب اسلامی با مددجویی از حضرت و با پیروی از امام امت در زمانی کوتاه، کارنامه‌ای بس شایسته داشتند. گرچه فعالیت مخلصانه اینان در محدوده رقم نمی‌گنجد، اما می‌تواند قطره‌ای از خیل فعالیت‌ها را نشان دهد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۶۶، با آبرسانی به بیش از ۱۸۰۰۰ روستا در حدود ۲/۵ برابر حکومت پهلوی، آبرسانی روستایی انجام گرفته است. با احتساب دو زمان بسیار متفاوت ۵۲ ساله حکومت پهلوی و ۹ ساله پس از انقلاب از زمان پیروزی انقلاب اسلامی بیش از ۱۴ برابر رژیم گذشته آبرسانی به روستاها انجام شده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۶۶، حدود ۱۲ هزار روستا تحت پوشش برق‌رسانی قرار گرفته‌اند که ۲/۸ برابر حکومت پهلوی بوده است. با احتساب دو زمان متفاوت حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب تاکنون، ۱۶ برابر رژیم گذشته برق‌رسانی روستایی صورت گرفته است.

همچنین پس از پیروزی انقلاب ۳۵۰۰۰

کیلومتر راه روستایی احداث شده است که در مقایسه با میزان احداث راه‌های روستایی توسط رژیم پهلوی ۴/۴ برابر بیش‌تر بوده است. با احتساب تفاوت زمانی ۵۲ ساله حکومت پهلوی و ۹ سال انقلاب، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون ۲۵ برابر رژیم گذشته راه روستایی ایجاد شده است.

همان‌گونه که قبلاً نیز ذکر شد، عملکرد فوق تنها بخش بسیار کوچکی از فعالیت‌های محرومیت‌زدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد که تمامی این فعالیت‌ها موهون ادعیه و رهنمودهای حضرت امام بوده است. ایشان در پیام به جهاد سازندگی ضمن تقدیر از جهادگران، آنان را به سازندگی هرچه افزون‌تر علیه فقر و محرومیت فرا خواندند و فرمودند: «وسعت دامنه گذشت و ایشار مردان و شیر زنان جهاد، جنگ و صلح و کوچک و بزرگ، فقیر و غنی این مرز و بوم را فراگرفته است. جهاد شمایل دنیای آزادی و استقلال در عرصه کار و تلاش و پیکار علیه فقر و تنگدستی و رذالت است.

و سپس ادامه می‌دهند: «... شما عزیزان با خدمات شایسته خود در پشت جبهه‌ها دل امام زمان روحی له‌الفدا را شاد کرده‌اید.»

و در پایان جنگ نیز بر شرکت همه مردم در بازسازی کشور تأکید کردند و فرمودند:

«بازسازی و سازندگی جز از طریق تعاون و همفکری میسر نیست و این کشور متعلق به اسلام و همه ملت ایران است و همان‌گونه که در جنگ همه در کنار هم بودند، در صلح و سازندگی نیز باید در کنار یکدیگر باشند.»

(پیام به سران سه قوه در مورد بازسازی)

اکنون دیگر به ظاهر امام در میان ما نیست که او به معراج رفته، فقدان امام قلبها را مجروح ساخته و زمین را ضجه امت اسلام فراگرفته است، اما مگر امت ما با پیکر مطهر حضرت امام بیعت کرده بود؟ ما با راه امام و صراط مستقیم ترسیم شده توسط ایشان بیعت کرده بودیم و تا قطره‌ای خون در پیکر امت اسلام است، بیعت نیز هست و تاييعة هست، مبارزه با کفر و شرک و استکبار و همچنین رفع محرومیت از کشور خواهد بود که این راه و خط امام است.

فرزندان امام چون همیشه رهنمودهای ایشان در خدمت به محرومین و مستضعفین و محرومیت‌زدایی رانصب‌العین خود قرار داد، تا زمانی که در کشور نرهای فقر و محرومیت باشد، جهاد سازندگی نیز ادامه خواهد داشت که این بیعت با امام است و جز این طریقی برای اثبات بیعت نخواهد بود.